

## در آستانه انتخابات دوماي چهارم

در آستانه انتخابات، حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه با وجود تحمل تعقیب بی رحمانه و بازداشت‌های دسته جمعی، با برنامه، تاکتیکها و پلاتفرمی روشنتر، متمایزتر و دقیق تر از هر حزب دیگر قدم پیش نهاده است.

در ژانویه ۱۹۱۲ کنفرانس سراسری حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه نتایج کار ایدئولوژیک و سیاسی حزب را در سالهای شوم ضدانقلاب جمع بندی کرد. مصوبات کنفرانس برای تمامی مسائل میرم جنبش پاسخ داشت. بخاطر این مصوبات، پلاتفرم انتخاباتی صرفاً یک بیانیه نهایی بود. این پلاتفرم به وسیله کمیته مرکزی در روسیه انتشار یافت و سپس به وسیله یک رشته سازمانهای محلی تجدید چاپ شد. (۱) تمامی مطبوعات بورژوازی این کنفرانس را گزارش کردند و برخی از مصوباتش را منتشر نمودند.

در شش ماهی که از کنفرانس می گذرد از طریق مطبوعات حزبی و دهها گزارش، در صدها سخنرانی در گروههای کارخانه‌ای و در اجتماعاتی که در ماههای آوریل و مه برگزار شده‌اند کار توضیح مصوبات کنفرانس و به اجرا درآوردن آنها ادامه داشته است. شعارهای حزب - جمهوری، هشت ساعت کار در روز، مصادره املاک اربابی - در سراسر روسیه گسترده و از طرف پیشروترین پرولترها پذیرفته شده است. خیزش انقلابی توده‌ها و نمودهای آن از اعتصابات و گردهم آیی‌ها تا شورش در ارتش، درست و حیاتی بودن این شعارها را ثابت کرده است.

حزب ما، هم اکنون از انتخابات سود جسته است و این کار را به شکل گسترده‌ای انجام داده است. هر طور که پلیس «تعبیر» کند، هر اندازه که دوماي چهارم دروغ پردازی کند (به وسیله کشیشها و دیگران) این نتیجه خنثی خواهد شد. تبلیغاتی که دقیقاً منطبق با خط حزب سازمان یافته هم اکنون در همه جا انجام شده است و زمینه لازم را برای برنامه انتخاباتی سوسیال دمکراتها آماده کرده است.

احزاب بورژوازی به شیوه‌ای عجولانه و سرسری «پلاتفرمهایی برای انتخابات»، برای نویدها، برای فریب رأی دهندگان، می نویسند. انحلال طلبان نیز که به دنبال لیبرالها افتاده‌اند اکنون بر روال قانونی «پلاتفرمی برای انتخابات» طرح می کنند. انحلال طلبان در مطبوعات قانونی و سانسور شده درباره پلاتفرمها داد سخن می دهند در حالی که خود را آماده می سازند تا مطابق قانون و محترمانه سردرگمی کامل، بی سازمانی و فقدان اصول ایدئولوژیک خود را در پس «پلاتفرمی برای انتخابات» پنهان کنند.

نه یک پلاتفرم «برای انتخابات»، بلکه [شرکت در] انتخابات برای بکار بستن پلاتفرم انقلابی سوسیال دمکراتیک! - حزب طبقه کارگر چنین نظری دارد. ما تاکنون از انتخاباتها برای این هدف استفاده کرده‌ایم و تا سر حد امکان استفاده خواهیم کرد. ما حتی از ارتجاعی ترین دوماي تزاری برای تبلیغ پلاتفرم انقلابی، تاکتیکها و برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه استفاده خواهیم کرد. تنها پلاتفرمهایی حقیقتاً ارزشمندند که کار طولانی تهییج انقلابی را که تاکنون پاسخهای کاملی به تمام مسائل جنبش داده است کامل می کنند، و نه پلاتفرمهایی (بخصوص از نوع قانونی!) که در کمال شتابزدگی برای پر کردن قافیه تنگ و برای تبلیغات پر سر و صدا، مانند پلاتفرم انحلال طلبان، سرهم بندی شده است.

از زمانی که حزب خود را بازیافت شش ماه می گذرد. با غلبه بر دشواریهای غیرقابل باور، و با تحمل سرکوب شدید و تجربه وقفه‌هایی در کار این یا آن مرکز محلی و یا مرکز مشترک -

کمیته مرکزی - حزب مسلماً به پیش می رود و کار و نفوذ خود را در میان توده‌ها گسترش می دهد. این گسترش کار به شکل جدیدی انجام می گیرد: افزون بر هسته‌های غیر علنی که مخفی و محدودند، و بهتر از پیش پنهان شده‌اند، تبلیغات مارکسیستی قانونی نیز گسترده تر شده است. دقیقاً این خصلت ممیزه تدارکات جدید برای انقلاب در شرایط جدید است که مدت مدیدی است توسط حزب تشخیص داده شده و به رسمیت شناخته شده است.

اکنون ما می توانیم به زمزمه‌های پر سر و صدای انحلال طلبان، که ما را با «کاندیداهای مضاعف» (۲) تهدید می کنند پاسخ کاملی بدهیم. تهدیدهایشان توخالی است و کسی را نمی ترساند! انحلال طلبان آنچنان به شدت شکست خورده‌اند و ناتوان شده‌اند که کمک به آنها هر اندازه هم که باشد نمی تواند جان تازه در آنها بدمد. آنها نمی توانند حتی فکر معرفی «کاندیداهای مضاعف» را به خود راه بدهند؛ اگر چنین کنند به گونه‌ای ترحم انگیز و مسخره آراء ناچیزی را به خود تخصیص خواهند داد. آنها سر و صدا راه می اندازند تنها برای اینکه توجه را منحرف کنند و حقیقت را بپوشانند.

گفتیم «کمک به آنها هر اندازه هم که باشد». انحلال طلبان بر کمک از خارج از کشور تکیه دارند. دوستان آنها - به ویژه لتونی ها، بوند، تروتسکی - تشکیل ۱۰ «مرکز، سازمان و جناح» را اعلام داشته‌اند! نخندید! دنیای خارج از کشور دنیای غنی، بزرگ و پر نعمتی است. تعداد «۱۰ مرکز»! شیوه‌هایی که در این مورد بکار برده می شوند همان شیوه‌هایی هستند که دولت در دومای چهارم بکار گرفت: تدارک برای ایجاد یک هیأت نمایندگی، و تبدیل تعدادی صفر به نمایشی از «اعداد بزرگ». نخست تروتسکی (در روسیه او یک صفر است، تنها یکی از نویسندگان نشریه ژووییه دیه لو (۳) است، و عاملان او فقط مدافعان «گروه‌های آغازگر» انحلال طلبان اند). دوم، گولوس سوتسیال دمکراتا یعنی همان انحلال طلبان ناتوان. سوم، «کمیته منطقه‌ای قفقاز» باز هم یک صفر در سومین لباس مبدل. چهارم، «کمیته سازماندهی» - چهارمین لباس مبدل همان انحلال طلبان. پنجم و ششم، لتونی ها و بوند که امروز بطور کامل انحلال طلب است. اما کافی است!

احتیاجی نیست که بگوییم حزب ما به این بازی هیچ ها در خارج از کشور می خندد. آنها نمی توانند در یک جسد جان بدمند، زیرا انحلال طلبان در روسیه جز جسد چیزی نیستند. باری واقعیتها چنین اند.

مدت شش ماه است که انحلال طلبان و تمامی دوستانشان دست به مبارزه‌ای نومیدانه علیه حزب زده‌اند. نشریه قانونی مارکسیستی ای وجود دارد که بطور وحشتناکی ناتوان است و جرأت ندارد کلمه‌ای درباره جمهوری، حزب ما، قیام یا دار و دسته تزار بنویسد. به سادگی مسخره خواهد بود اگر فکر تبلیغ شعارهای ح.س.د.ک.ر. از طریق این نشریه، به ذهن راه داده شود. اما کارگر روس دیگر آنچه بود، نیست. به نیرویی بدل شده است. برای خود راهی را هموار کرده است. نشریه‌ای از آن خود دارد، که هر چند ناتوان، به او تعلق دارد و بطور تنوریک از مارکسیسم دفاع می کند.

در این عرصه باز، هر کس می تواند «موفقیت‌های» مبارزه انحلال طلبان علیه مخالفان انحلال طلبی را مشاهده کند. اس.وی. (۴) از روزنامه وپریود این موفقیتها را در پراودای وینی و انحلال طلب تروتسکی خاطر نشان کرده است. او می نویسد واقعیت این است که کمکهای مالی کارگران تقریباً بطور کامل به دست مخالفان انحلال طلبی می رسد. اما او می کوشد خود را تسلی دهد و می گوید این امر به دلیل طرفداری کارگران از «لنینیست‌ها» نیست. البته طبیعتاً «نه به این دلیل»، دوست عزیز انحلال طلبان!

اما باز هم به واقعیتها توجه کنید.

شش ماه مبارزه آشکار برای روزنامه‌های کارگری!

انحلال طلبان از سال ۱۹۱۰ درباره آن فریاد کرده‌اند. چه موفقیتی نصیبشان شده است؟ در مدت شش ماه - از اول ژانویه تا اول ژوئیه ۱۹۱۲ - روزنامه‌های آنان، ژيوييه ديه لو و نوسکی گولوس(۵) سیاهه پانزده مورد کمک مالی از طرف گروههای کارگری برای روزنامه‌های کارگری را آورده بودند! پانزده گروه کارگری در شش ماه!

روزنامه‌های مخالفان انحلال طلبی را بنگرید. سیاهه کمک مالی به روزنامه‌های کارگری را در همان دوره شش ماهه در این روزنامه‌ها ملاحظه کنید. تعداد موارد کمک از طرف گروههای کارگری را جمع بزنید. می بینید که ۵۰۴ مورد کمک از طرف گروههای کارگری وجود داشته است!

ارقام دقیق ماهیانه برای بخشهای مختلف روسیه در زیر می آید:

تعداد کمکهای گروهی کارگری برای یک روزنامه کارگری در نیمه اول ۱۹۱۲

در روزنامه‌های انحلال طلب	در روزنامه‌های ضدانحلال طلب	
۰	۱۴	ژانویه
۰	۱۸	فوریه
۷	۷۶	مارس
۸	۲۲۷	آوریل
۰	۱۳۵	مه
۰	۳۴	ژوئن
۱۵	۵۰۴	جمع :
۱۰	۴۱۵	سن پترزبورگ و حومه
۱	۵۱	جنوب
۴	۳۸	بقیه روسیه
۱۵	۵۰۴	جمع :

انحلال طلبان در نظر گروههای کارگری روسیه بطور کامل شکست خورده‌اند. انحلال طلبان جسدی بی جان اند و هیچ تعداد وحشتناکی (آه، چقدر وحشتناک!) از «اجتماع گروهها، مراکز، جناحها، گرایشات و تمایلات» در خارج از کشور نمی تواند به این جسد جان تازه بدمد. هیچ بیانیه تند و تیز در خارج از کشور و هیچ کنفرانس ساختگی بین «گروههای آغازگر» و انحلال طلبان نمی تواند این شکست کامل انحلال طلبان در نظر **صدها گروه کارگری روسیه** را جبران یا سبک کند.

وحدت مبارزه انتخاباتی سوسیال دمکراتهای کارگری در روسیه **تضمین شده است**. این وحدت نه از طریق «توافقهایی» با انحلال طلبان، بلکه به وسیله پیروزی کامل بر انحلال طلبانی که از هم اکنون به نقش واقعی خود یعنی نقش روشنفکران لیبرال تنزل کرده‌اند، تضمین شده است. ببینید سوسیالیست انقلابی انحلال طلب، ساوین\*، چه خوب در ناشازاریا جای گرفته است، ببینید

\* Savin

ال.ام. (۶) در لیستوک گولوسا سوتسیال دمکراتا (۷)، «ابتکار» سوسیالیستهای انقلابی را که (به علت خماری اتزویستی!) مکرر به انحلال طلبی در می‌غلتنند، چه گرم می‌ستاید. به اهمیت این واقعیت بیاندیشید که همین صفحه «رهبر» مشهور سوسیالیست انقلابی اوکسنتیف\* را بمثابة یک الگو به رخ پلخانف می‌کشاند. بخاطر بیاورید که چگونه تمام انحلال طلبان بر جناح غیر سوسیال دمکرات حزب سوسیالیست لهستان بوسه می‌زنند (۸). انحلال طلبان همه احزاب متحد شوید!

در پایان هر کسی جایگاه خود را می‌یابد. گروههای انحلال طلب روشنفکری از میان مارکسیستهای سابق و لیبرالهای بمب بر دست سابق در سیر وقایع به هم جوش می‌خورند. و اما حزب طبقه کارگر، ح.س.د.ک.ر. در شش ماهی که از انقیاد کسانی که آنرا منحل کرده بودند، رهایی یافته است، همانطور که واقعیتهای مذکور در بالا نشان می‌دهند، گامی بلند به جلو برداشته است.

رابوچایا گازتا شماره ۹  
۳۰ ژوئیه (۱۲ اوت) ۱۹۱۲  
مجموعه آثار لنین، جلد ۱۸

## توضیحات

۱- «پلاتفرم انتخاباتی ح.س.د.ک.ر.» توسط لنین در پاریس در آغاز مارس ۱۹۱۲ نوشته شد. پلاتفرم انتخاباتی توسط کمیته مرکزی تأیید شده و در روسیه (تفلیس) در شکل جزوه‌ای از طرف کمیته مرکزی منتشر شد. جزوه به هیجده منطقه شامل بزرگترین مراکز پرولتاری تحویل داده شد. پلاتفرم انتخاباتی به صورت ضمیمه‌ای بر نشریه سوتسیال دمکرات شماره ۲۶ نیز منتشر شد. پلاتفرم حاوی سیاست مبارزه جویانه‌ای با فراخوان برای مبارزه جهت انقلاب بود. لنین اهمیت خاصی به پلاتفرم انتخاباتی حزب می‌داد و تلاشهای انحلال طلبان را برای ارائه پلاتفرمی قانونی و اپورتونیستی تحت نام «برای انتخابات» افشا نمود.

هنگام فرستادن یک نسخه از «پلاتفرم انتخاباتی ح.س.د.ک.ر.» برای نشریه زوزدا، لنین آنرا چنین مشخص نمود: «این پلاتفرم فقط برای اطلاع عموم، بخصوص مؤلفان پلاتفرم ارسال می‌شود. وقت آن رسیده است که به نوشتن پلاتفرمها هنگامی که یک پلاتفرم تأیید شده و منتشر شده توسط کمیته مرکزی موجود است خاتمه داده شود. (جزوه‌ای در این باره هم اکنون در روسیه منتشر شده است، ولی از آنجا که ما فقط یک نسخه از آن را داریم، نمی‌توانیم آنرا ارسال کنیم اما یک نسخه دستنویس آنرا برای شما می‌فرستیم)».

۲- لنین تهدید انحلال طلبان منشویک را به اینکه کاندیداهای خود را در حوزه‌های کارگری در انتخابات دومای چهارم معرفی خواهند کرد، در نظر دارد.

۳- Zhivoye Dyelo (امر حیاتی): روزنامه‌ای که به وسیله انحلال طلبان منشویک منتشر می‌شد و در ۱۹۱۲ بطور قانونی در سن پترزبورگ بیرون می‌آمد. شانزده شماره از آن منتشر شد.

۴- استانیسلاو ولسکی، نام مستعار ا.و.سوکولوف، یکی از سازمان دهندگان گروه وپریود.

۵- Nevsky Golos (صدای نوا): روزنامه‌ای که بطور قانونی از ماه مه تا اوت ۱۹۱۲ به وسیلهٔ انحلال طلبان منشویک در سن پترزبورگ منتشر می شد.

۶- ل. مارتف، یکی از رهبران منشویک.

۷- Listok Golosa Sotsial-Demokrata (بولتن صدای یک سوسیال دمکرات). ارگان انحلال طلبان منشویک؛ بین ژوئن ۱۹۱۱ و ژوئیهٔ ۱۹۱۲ در پاریس منتشر می شد. در مجموع شش شماره از آن بیرون آمد.

۸- جناح چپ حزب سوسیالیست لهستان (ح.س.ل.) در ۱۹۰۶ پس از انشعاب از ح.س.ل. اقلیت مستقلی را به نام لویکا (Lewica) تشکیل داد. لویکا در حالی که بطور کامل ملی گرایی را طرد نکرد، بسیاری از خواسته‌های ملی گرایانه و شیوه‌های تروریستی مبارزه را کنار گذاشت. از نظر مسایل تاکتیکی به انحلال طلبان منشویک نزدیک بود. در جنگ جهانی اول بخش بزرگی از لویکا یک موضع انترناسیونالیستی به خود گرفت و به حزب سوسیال دمکرات لهستان نزدیک شد؛ در دسامبر ۱۹۱۸ این دو حزب، حزب کمونیست کارگران لهستان را تشکیل دادند.

\*\*\*\*\*

[کمونیستهای انقلابی](#)

<http://www.k-en.com>

[info@k-en.com](mailto:info@k-en.com)